

انسان رقمی

شماره استاندارد بین‌المللی موسیقی (ISMN)، شماره استاندارد بین‌المللی نشریات (ISSN)، شماره استاندارد بین‌المللی منابع دیداری - شنیداری (ISAN)، شناسه اشیای رقمی (DOI)، کد استاندارد بین‌المللی متن (ISTC)، شماره استاندارد بین‌المللی نام (ISNI)، شماره تجارت جهانی محصول (GTIN)، اسامی منبع متحدالشکل (URN)، رمز استاندارد بین‌المللی مواد ضبط‌شده (ISRC)، شماره کالا و خدمات (EAN)، کد استاندارد بین‌المللی آثار موسیقی (ISWC)، شناسگر استاندارد بین‌المللی کتابخانه‌ها (شابکا)، (و شماره‌های سایر محصولات) که اگر شماره‌هایی چون کد ملی، شماره شناسنامه، شماره گذرنامه، شماره حساب بانکی (و موارد مشابه) را کنار آنها بگذاریم، دنیایی می‌شود پر از اعداد و ارقام.

روی دلایل شکل‌گیری شماره‌ها و ارقام فکر می‌کنم. به نظر می‌رسد همه اینها برای سازگاری بیشتر با رایانه شکل گرفته است. ابزاری که برای خدمت به انسان - به عنوان اشرف مخلوقات - طراحی و ساخته شد، ولی در حال جانشینی اوست و انسان همواره خود را برای سازگاری بیشتر با آن تغییر می‌دهد. انسانی که عادت‌ها، علائق، تفکر و نگرشش را به دلیل نزدیکی با رایانه عوض می‌کند.

یاد ظریفی می‌افتم که روزی گفته بود «روزی خواهد رسید که هویت انسان با اعداد و ارقام معنا خواهد یافت» و تبدیل هویت انسان، به مجموعه‌ای از اعداد و ارقام را پیش‌بینی کرده بود. آیا واقعاً پیش‌بینی او در حال تحقق یافتن است؟ از اینکه روزی برسد، به جای صحبت درباره هویت، فرهنگ و تمدن، یک‌سری اعداد و ارقام را پشت سرهم بچینیم، تتم می‌لرزد و اینکه روزی ویرایش جدید از انسان به نام انسان رقمی را شاهد باشیم.

دارپوش مطلبی

متوجه می‌شوم مهلت امانت کتابی که از کتابخانه امانت گرفته‌ام، تمام می‌شود و لازم است برای تمدید آن با کتابدار خوش اخلاقی! که کتابدار میز امانت است، تماس بگیرم. تردید اینکه تماس بگیرم یا با وجود نیازی که به کتاب دارم، آن را پس دهم رهایم نمی‌کند. سرانجام دل به دریا می‌زنم و با او تماس می‌گیرم و صدایی از آن سوی خط جوابم را می‌دهد. خودم را معرفی می‌کنم و اینکه از کدام دانشکده تماس می‌گیرم و مسئله‌ام چیست. بدون اینکه اهمیتی به نام و مشخصاتم بدهد، می‌گوید، کافی است شماره عضویت خود را بفرمایید و نیازی به نام و اینکه چه کسی هستید، نیست. در ابتدا جامی خورم و یاد زندانیان فیلم‌ها می‌افتم - زندانی شماره ۱۰۲۲، بند ۳ سلول ۶ (همه‌اش اعداد و ارقام). یعنی کیستی من برای کتابدار معنی و مفهومی نداشت، شاید هم اهمیتی نداشته است.

فردای همان روز برای رفتن به اداره سراغ ماشین می‌روم و استارت می‌زنم و ماشینم روشن نمی‌شود. با امداد خودرو تماس می‌گیرم و مشکل را مطرح می‌کنم و باز قبل از اینکه خود را معرفی کنم و مشخصات ماشین را اعلام کنم، صدایی از آن سوی خط، شماره اشتراک مرا می‌پرسد و به محض اینکه شماره را از روی کارت اشتراک می‌خوانم، از آن سوی خط مشخصات و مدل ماشینم را می‌گوید و بدون اینکه نام و آدرسی از من بگیرد، می‌گوید تا نیم ساعت دیگر ماشین امداد خواهد آمد. باز از کیستی و چستی من اثری در میان نیست.

شرکت در اجلاس شابک ۲۰۰۹ در سؤال کره مرا بیشتر به فکر وامی‌دارد، وقتی شماره‌ها و استانداردهای مختلفی مطرح می‌شود و به من انسان تلقین می‌شود که کار تجارت، اطلاع‌رسانی و بسیاری از فعالیت‌های روزمره بدون آنها امکان‌پذیر نیست. احساس می‌کنم در میان حجم عظیمی از شماره‌ها محاصره شده‌ام و تمام پیرامونم را یک‌سری اعداد و ارقام فراگرفته است. شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (ISBN)،